

# گروه‌های تکفیری و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲

## غلامعلی چگینی زاده،<sup>۱</sup> احمدرضا عساری<sup>۲</sup>

از صفحه ۲۷۹ الی ۳۰۵

### چکیده

**زمینه و هدف:** جبهه النصره - شاخه القاعده در میدان عملیاتی سوریه - در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، به دلیل توانایی‌های نظامی و مالی، تجهیزات برتر، سازماندهی و شیوه‌های فرماندهی و کنترل، منابع مالی مستمر، و تعهد ایدئولوژیک عمیقی که اعضایش دارند، خود را ضمن متمایز ساختن از بقیه گروه‌های معارض در سوریه، برجسته و به عنوان مهمترین سازمان سلفی-تکفیری در سوریه، معرفی نمود. از این رو، هدف این مقاله آشنایی با خاستگاه، اهداف، استراتژی و تاکتیک‌های جبهه النصره در سوریه است و از این رهگذر، می‌کوشد تا تأثیر عملکرد این جبهه را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید.

**روش‌شناسی:** این تحقیق با رویکردی کیفی و ضمن اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از ابزار فیش‌نویسی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق عبارت از؛ کلیه اسناد، مدارک و مستندات در حوزه تحقیق است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد جبهه النصره با اتخاذ سیاست‌های کلان در عرصه‌های اجتماعی، رسانه‌ای و عملیاتی، زمینه تبدیل شدن منازعه سوریه به یک منازعه بلندمدت را فراهم ساخته است. هر چند با پیروزی‌های بزرگ اخیر محور مقاومت، پایان موجودیت این گروه تروریستی نزدیک خواهد بود.

**کلیدواژگان:** گروه‌های تکفیری، القاعده، جبهه النصره، سوریه، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

۱- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، نویسنده مسئول، chegnizadeh@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، assary.ahmadreza@gmail.com

## مقدمه

تحولاتی که منجر به جنگ داخلی در سوریه گردید، از سال ۲۰۱۱ شروع شد؛ زمانی که تنش‌های قدیمی و طولانی بین اقلیت علویان حاکم و اکثریت سنی در اثر بوجود آمدن حرکت‌های انقلابی در غرب آسیا شدت یافت. به دنبال قیام‌های صورت گرفته در لیبی، تونس، مصر و یمن، تعداد اندکی از سوری‌ها در ابتدا علیه دولت قانونی، شروع به اعتراض و برگزاری راهپیمایی کردند. گرچه این اعتراضات ابتدایی و محلی از مناطق روستایی توسعه نیافته سوریه سرچشمه گرفت اما برخی واکنش‌ها و تحریکات باعث تشدید این اعتراضات شد و در اندک زمانی سرتاسر کشور را فراگرفت. عدم مدیریت درست بحران و تحریکات خارجی، اعتراضات را تبدیل به حرکتی خشونت‌آمیز و در نهایت، به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل کرد. جنگی که براساس آمار و اطلاعات منابع رسمی، تا سال ۲۰۱۴<sup>۱</sup> بیش از صد هزار نفر در اثر آن جان خود را از دست داده‌اند و حتی برخی این رقم را تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین می‌زنند و تعداد آوارگان آن نیز، اکنون بیش از هشت و نیم میلیون نفر تخمین زده می‌شود (پرئیلو، ۲۰۱۴<sup>۲</sup>).

به هر حال، جنگ داخلی در سوریه، این کشور را به کارزار و محلی ایده‌آل برای بسط اندیشه و عمل گروه‌های سلفی-تکفیری، بویژه القاعده تبدیل کرده است؛ چرا که جنگ در این کشور، اداره کشور را مختل ساخته است و تأمین مایحتاج ضروری مردم در برخی مناطق کاملاً متوقف شده است. این مسائل شکافی را ایجاد نموده است که زمینه را برای پذیرش رفتار و دیدگاه‌های افراط‌گرایانه مساعد ساخته است.

ضمن آنکه، قرار گرفتن سوریه در قلب دنیای عرب و موقعیت سوق‌الجیشی آن در منطقه شامات و مرزهای مشترک آن با دیگر کشورهای تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا، محیطی مساعد را برای نفوذ و انجام عملیات برای گروه‌های سلفی-تکفیری فراهم نمود. بر همین

<sup>1</sup> Syria death toll from rebel infighting, 2014

<sup>2</sup> Perriello

اساس است که در فوریه ۲۰۱۲، «ایمن الظواهری» رهبر القاعده اعلام کرد که «هر مسلمان و انسان آزاد و شریف در ترکیه، عراق، اردن و لبنان به کمک برادران خود در سوریه برود» (بورک،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲).

در حال حاضر،<sup>۲</sup> جبهه النصره به دلیل توانایی‌های نظامی و مالی، تجهیزات برتر، سازماندهی و شیوه‌های فرماندهی و کنترل و منابع مالی مستمر، خود را ضمن متمایز ساختن از بقیه گروه‌های معارض در سوریه، برجسته و به عنوان مهمترین سازمان سلفی-تکفیری در سوریه، شناخته می‌شود. این جبهه که به «سربازان کماندو نخبه» انقلاب موسوم است، به دلیل داشتن کادری از مبارزان پرتجربه و با انضباط، از نظر ایدئولوژیکی، متعهد و به لحاظ تاکتیکی، کارآمد محسوب می‌شود (موجون،<sup>۳</sup> ۲۰۱۲)، افراد این گروه دارای تجربیات نبرد در افغانستان، پاکستان و چین می‌باشند. بسیاری از آنها در حال افزایش روابط خود با مبارزانی از سایر مناطق جهان همچون خلیج فارس، شمال آفریقا و آسیای جنوبی هستند تا از این روابط به منظور نقل و انتقال مبالغ هنگفت پول، تجهیزات مرگبار و غیرمرگبار به جبهه سوریه استفاده کنند (جونز،<sup>۴</sup> ۲۰۱۳: ۴۵). از مهمترین اقدامات این گروه در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، انجام حملات متعدد علیه تأسیسات نظامی، پایگاه‌های دفاع هوایی، راه‌های ساحلی و شاهراه‌ها به منظور بستن خطوط نیرو و نیز حملات انتحاری در مناطق پرجمعیت و ترور مقامات امنیتی دولت بوده است.

در واقع، النصره به عنوان شاخه القاعده در سوریه محسوب شده و ابزار القاعده برای پیاده کردن اهدافش در سوریه، آن هم از طریق ترویج جهاد سلفی در منطقه‌ای که آکنده از سربازان بالقوه برای پیوستن به آنها است، به شمار می‌رود. این گروه در حال تشکیل

<sup>1</sup> Burke

<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که این تحقیق در سال ۲۰۱۶ به انجام رسیده و برخی آمارها و تحلیل‌های ذکر شده باید با توجه به این تاریخ مورد تحلیل قرار گیرد.

<sup>3</sup> Mojon

<sup>4</sup> Jones

پایگاهی برای القاعده در سوریه، به عنوان مأمونی برای صدور تروریسم است. این سنگربندی و حضور طولانی مدت جبهه النصره در سوریه یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه امنیت جهانی، امنیت منطقه‌ای و نیز امنیت ملی کشورهای منطقه به شمار می‌رود. بر همین اساس است که این تحقیق می‌کوشد تا ضمن اتخاذ رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ گوید که «جبهه النصره با توجه به خاستگاه، اهداف و استراتژی در میدان سوریه چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟».

## مبانی نظری

در این تحقیق، از نظریه امنیت «مکتب کینهاگ» به عنوان چارچوب نظری بحث، بهره گرفته شده است. بالدوین، تحلیل مفهومی امنیت را از خلال پاسخ به هفت پرسش کلیدی «برای چه کسی؟»، «برای کدام ارزش‌ها؟»، «چه میزان؟»، «در برابر کدام تهدیدات؟»، «با کدام ابزارها؟»، «با چه هزینه‌ای؟» و «در چه زمانی؟» (بالدوین،<sup>۱</sup> ۱۹۹۷) مورد بررسی قرار می‌دهد. در این میان، همانگونه که ره‌پیک نیز به آن توجه نموده است، پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی؟» به عنوان قلب هر نظریه امنیتی تلقی می‌گردد که سایر مسائل به نوعی با آن ارتباط می‌یابند. سؤالی که پاسخ به آن، «مرجع امنیت» را در آن نظریه مشخص می‌نماید.

مکتب کینهاگ در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر، قرارگیری مردم/افراد را به عنوان مرجع امنیت مورد انتقاد قرار داده و در کتاب شاخص این مکتب یعنی «مردم، دولت‌ها و هراس» که توسط «باری بوزان» به رشته تحریر درآمده است، ضمن ارائه این تعریف از امنیت؛ «رهایی از تهدید، نبود تهدید و توان دولت جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت ارضی»،

<sup>1</sup> Baldwin

دولت را به عنوان مرجع امنیت شناسایی می‌کند. استدلال آنها بر این مبنا است که گرچه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل است، ولی در نهایت فرد تابع ساختارهای سیاسی عالی تر دولتی و بین المللی است. بنابراین امنیت ملی و بین المللی را نمی‌توان به امنیت فردی تقلیل داد. از سوی دیگر، امنیت فردی به گونه‌ای مثبت و منفی تحت تأثیر دولت قرار می‌گیرد و زمینه‌های ناهماهنگی امنیت فردی و ملی، گویای این تناقض دائمی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۷۳).

بوزان می‌گوید؛ به واسطه امنیت دولت است که امنیت دیگر مراجع امنیت، عینیت و واقعیت می‌یابد. با این حال، مقصود بوزان از امنیت دولت، امنیت «رژیم» نیست و دولت را به رژیم سیاسی فرو نمی‌کاهد، بلکه برداشتی موسع از مفهوم دولت را در نظر دارد که شامل ایده دولت، تجلی نهادی دولت و پایگاه فیزیکی آن می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

مکتب کپنهاگ، امنیتی را که فقط در چارچوب عینی و جدا از ذهن و افکار افراد تلقی می‌شود، رد کرده و آن را به عنوان موضوعی بین‌ذهنی تعریف می‌کند. بوزان نقطه آغاز مسأله امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار نمایند که از وضعیتی امنیتی شده و الزامات آن پیروی نمایند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که این مسائل صرفاً در ذهن‌های بسته وجود داشته باشد، بلکه یک ویژگی اجتماعی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۲).

از نظر مکتب کپنهاگ، شناسایی امنیت ملی صرفاً پس از درک معقول از ماهیت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها امکان‌پذیر است. همچنین فقدان امنیت و یا وجود ناامنی، بازتاب ترکیبی از تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هاست که جدا ساختن معنادار آنها از یکدیگر ناممکن است. بر این اساس سیاست امنیت ملی می‌تواند روی مسائل داخلی تمرکز نموده و در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های دولت باشد یا بر مسائل خارجی تمرکز داشته و از طریق منابع ذی‌ربط درصدد کاهش تهدیدات خارجی برآید (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۵).

شناخت آسیب‌پذیری‌ها نسبت به تهدیدات آسان‌تر است. بر این اساس از نظر بوزان به دو دلیل تهدیدات را مشکل می‌توان شناخت. دلیل اول، مربوط به «مسئله عینی یا ذهنی بودن»<sup>۱</sup> تهدید است. دلیل دوم مشکل تشخیص تهدیدات امنیتی از تهدیدات غیرامنیتی است. لذا به راحتی نمی‌توان گفت همه تهدیدات، مسائل امنیت ملی هستند. تفاوت میان چالش‌های عادی و تهدیدات ملی باید از روی طیف گسترده تهدیدات شناسایی شود. اینکه دقیقاً کدام نقطه این طیف را باید آغاز مسئله امنیت ملی تلقی کرد، بیشتر تابع انتخاب‌های سیاسی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۹-۱۳۸). بنابراین با مبنا و اصل قرار دادن تهدیدات، این بازیگر امنیتی‌ساز است که مشخص خواهد کرد که آیا تهدیدات، شایستگی منتسب شدن به امنیت ملی را دارد یا ندارد. به همین خاطر است که نقش ادراک، نگرش و ذهن و در نتیجه عامل ذهن در تشخیص اصل می‌گردد.

مکتب کپنهاگ در تلاش برای خارج شدن از دایره تنگ نظامی، نقطه‌نظرات کسانی که امنیت را تک‌بعدی و در ابعاد نظامی می‌بینند، مورد نقد قرار داده و امنیت فراگیر و چند بعدی را معرفی می‌نماید. باری بوزان با تلاشی مضاعف امنیت تک‌بعدی را زیر سؤال برده و آن را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داده است. مکتب کپنهاگ معتقد است که تهدیدات و آسیب‌پذیری می‌توانند در هر یک از این ابعاد مختلف رخ دهند. چرا که گنش و واکنش شدیدی در سطح بین‌المللی به وجود آمده و امنیت را نمی‌توان فقط در عدد نظامی نظاره‌گر بود (بوزان و اول‌ویور،<sup>۲</sup> ۱۹۹۶).

بوزان اهداف مرجع امنیت را در هر یک از پنج بخش فوق با استفاده از مفهومی به نام تهدید وجودی و بقاء تبیین می‌نماید. مفهوم تهدید وجودی، تهدیداتی را مد نظر قرار می‌دهد که موجودیت موضوع را به خطر انداخته و آن را با آسیب جدی روبرو می‌سازد:

1 Subjective/Objective Problem  
2 Buzan & Ole Waver

۱) در بخش نظامی: هدف مرجع امنیت، دولت است. هر چیزی که بقاء دولت را با خطر مواجه سازد، تهدید تلقی می‌گردد.

۲) بخش سیاسی: هدف مرجع امنیت، حاکمیت و قواعد تشکیل‌دهنده آن، هویت ملی و نهادهایی که نمود آن، مشتمل بر ایدئولوژی هستند، می‌باشد. بنابراین هر چیزی که اقتدار ایدئولوژی و نهاد دولت را با خطر مواجه سازد تهدید تلقی می‌گردد.

۳) بخش اقتصادی: هدف مرجع امنیت، اقتصاد کشور است. دو معیار، تهدیدات اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل می‌نماید: الف) این تهدیدات بقای کشور را مورد تهدید قرار دهد؛ ب) تهدیدات تأثیر راهبردی بر بخش نظامی داشته باشد.

۴) بخش اجتماعی: هدف مرجع امنیت، عبارتست از هویت افراد جامعه است.

۵) بخش زیست‌محیطی: هدف در این بخش دقیقاً مشخص نشده است و در طیفی از بقاء گونه‌های خاص تا زلزله و غیره گسترده شده است (بوزان و ویور،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳: ۵۹).

در پایان خاطر نشان می‌شود که امنیت چند بُعدی بوزان از انتقاد مصون نمانده و والتیکی از منتقدان آن به شمار می‌رود. وی در مقاله‌ای که تحت عنوان «رنسانس در مطالعات امنیت» به رشته تحریر درآمده است به نقد دیدگاه‌های بوزان در خصوص توسعه دستورالعمل نوین امنیتی پرداخته و معتقد است که گنجاندن موضوعات غیرنظامی در دستورالعمل امنیتی، انسجام عقلانی این حوزه را سست می‌نماید (اولاوف،<sup>۲</sup> ۲۰۰۱).

### سوریه و رشد سلفی‌گری

این کشور موطن جوامع مسیحی، فرقه‌های مختلف اسلامی و چندین مذهب بومی و مخالف با یکدیگر بوده و فرهنگ این کشور در مقایسه با سایر کشورهای عرب خلیج فارس و شمال آفریقا همواره ناهمگون‌تر بوده است و ساختار جمعیتی این کشور از طایفه‌ها، اقوام و گروه‌های اجتماعی متفاوت و با بافت‌های اجتماعی گوناگونی تشکیل

<sup>1</sup> Buzan & Weaver

<sup>2</sup> Olavf

شده است. در سرشماری سال ۲۰۱۰ جمعیت سوریه برابر ۲۲,۵۱۷,۷۵۰ نفر، با رشد سالیانه حدود ۳,۳ درصد بوده است. از این جمعیت حدود ۹۰ درصد عرب و ۹ درصد کرد و مابقی، اقلیت‌های کوچک آرامی، ارمنی، چرکس، کلدانی و ترکمن هستند. از نقطه نظر مذهبی نیز، حدود ۷۴ درصد اهل سنت، ۱۲ درصد علوی، ۱۰ درصد مسیحی، ۳ درصد دروزی و ۱ درصد را پیروان سایر ادیان تشکیل می‌دهند (سیریا،<sup>۱</sup> ۲۰۱۵).

یهودیان و مسیحی‌ها به عنوان «اهل کتاب» (تا قبل از سال ۱۹۴۸) به راحتی در کنار همسایگان مسلمان خود زندگی می‌کردند، در حالی که بیابان‌ها و کوه‌ها، پناهگاهی طبیعی برای اقلیت‌های قومی و کمتر محافظت شده فراهم ساخته بود. گرچه فرقه‌گرایی همیشه به اشکال مختلف در لایه‌های زیرین جامعه سوری بطور مخفیانه جریان داشت اما طبق آمار موسسه گالوپ، تا پیش از سال ۲۰۱۱ بیش از ۸۷ درصد سوری‌ها «موافق» یا «کاملاً موافق» بودند که با مردم سایر ادیان همیشه با احترام رفتار کنند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۹، ۷۸ درصد سوری‌ها گفته بودند که دید مثبتی نسبت به مسیحی‌ها دارند و ۵ درصد اعلام کرده بودند که نگاه‌شان منفی است. تا قبل از درگیری‌ها در سوریه، شرکت دوستان سایر ادیان در مراسم عروسی و تشییع جنازه یکدیگر امری رایج بود و سوال از مذهب افراد، نوعی بی‌ادبی محسوب می‌شد (لوسچکی،<sup>۲</sup> ۲۰۱۳). بدین ترتیب، افراط‌گرایی در جامعه امروز سوریه، دارای پیشینه تاریخی، آنگونه که نوع این پدیده اقتضا می‌کند، نیست. در سایر کشورها، جایی که بنیادگرایی شایع است، عوامل افراط‌گرایی از مدت‌های طولانی در فرهنگ و جوامع‌شان رخنه کرده و از این لحاظ، سوریه موردی غیرمتعارف به حساب می‌آید. برای فهم بهتر چرایی گسترش اندیشه سلفی-تکفیری و علل روی آوردن مخالفان نظام قانونی سوریه به این اندیشه لازم است، تعریفی از مفاهیم پرکاربرد در این پژوهش و تفاوت آنها با یکدیگر ارائه نماییم.

<sup>1</sup> syria

<sup>2</sup> Loschky



کلمه «سلفی» از ریشه «سلف» مشتق شده که به معنای پیشینیان یا اجداد است. آنچه از این واژه به ذهن متبادر می‌شود، بازگشت به اسلام اولیه به عنوان بهترین نمونه عملی اسلام است. ریشه سلفیت، به جنبش‌های اصلاحی و نوگرایی اسلامی قرن نوزدهم برمی‌گردد و این کلمه، امروزه در مورد مسلمانان محافظه‌کاری به کار می‌رود که به دنبال پیاده کردن تعبیری نص‌گرایانه (ظاهرگرایانه و خشک) از متون دینی، براساس آنچه از طرف پیامبر(ص) و صحابه رسیده است، هستند.<sup>۱</sup>

اوبگی در پژوهشی که درباره جهاد در سوریه انجام داده است درباره سلفی‌گری می‌نویسد؛ «سلفی‌گری، بر سلف یعنی جامعه اولیه اسلامی به عنوان الگویی دقیق برای شیوه عمل اسلامی در دوره معاصر تاکید دارد. سلفی‌ها هرگونه انحراف از این مدل اصیل را کفر می‌دانند که همین امر باعث خصومت شدید ایشان با آنچه فرقه‌های اسلامی رافضی(از جمله تشیع و به‌ویژه فرقه علویان) می‌دانند، گردیده است. سلفی‌گری، قرآن، حدیث و اجماع علمای اسلامی را راهنمای کافی برای تأسیس حکومت می‌داند. آنان به نص صریح قرآن تاکید داشته و تابع مدلی بسیار تنگ‌نظرانه و محافظه‌کارانه از شریعت و یا همان قانون اسلامی هستند. سلفی‌ها به تجربه سیاسی اسلام اولیه به عنوان حکم و وظیفه‌ای مذهبی نگاه می‌کنند. بدین ترتیب، آنها گرایش به رد دموکراسی دارند؛ چرا که دموکراسی مستلزم به رای گذاشتن اسلام است و نه گردن نهادن به احکام آن. به همین دلیل، آنها به لحاظ تاریخی تمامی انواع نظام‌ها و ایده‌های سیاسی مدرن را رد می‌کنند. در همین رابطه، آنها با مفهوم کشورداری<sup>۲</sup> مخالف بوده و به دنبال تشکیل خلافت اسلامی هستند که تمامی امت اسلامی را در بر می‌گیرد. جنبش‌های سلفی‌گری در مقایسه با گروه‌های اسلامی که مدرن‌تر هستند، در محدود کردن زندگی شخصی و سیاسی، شدت عمل بیشتری به خرج

<sup>۱</sup> منبع: Crisis Group Middle East Report N ۱۰۴, Radical Islam in Gaza, ۲۰۱۱

<sup>۲</sup> statehood

می‌دهند که مثال بارز آن، مخالفت با حقوق برابر برای زن‌ها و اقلیت‌ها است» (اوبگی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲).

جریان سلفی خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌گردد. به عنوان مثال، متفکری فرانسوی با نام «جیلز کیپل»<sup>۲</sup> با وضع اصطلاح جهادگر سلفی برای توصیف عقاید سلفی‌هایی که علاقمند به جهاد خشونت‌آمیز هستند، سلفی‌ها را به دو گونه سنتی و جهادی تقسیم نموده و در زمینه اختلاف میان آنها بر این اعتقاد است که سلفی‌های سنتی طرفدار کنش‌گری سیاسی<sup>۳</sup> به عنوان ابزاری مقدماتی برای اعمال تغییرات اجتماعی هستند، ولیکن سلفی‌های جهادی، ایدئولوژی را تبعیت می‌نمایند که شدیداً متعهد به توجیه عقلانی وجود نظامیان و رفتار آنها است. جهادگران سلفی نوعاً مخالف با دموکراسی هستند؛ چرا که آن را جبهه‌گیری انسان در برابر قانون الهی می‌دانند و به همین دلیل هدف قرار دادن دولت‌های اسلامی دموکرات را با شیوه‌های خشن، مشروع می‌دانند. جهادگران سلفی، مسلمانان منحرف از مکتب فکری خودشان را مرتد می‌دانند و بدین ترتیب هدف قرار دادن آنها را هم با استفاده از شیوه‌های جهادی مشروع می‌دانند (کیپل،<sup>۴</sup> ۲۰۰۳: ۲۱۹-۲۲۰).

### جبهه النصره یا جبهه فتح الشام

جبهه النصره یکی از گروه‌های جهادی-سلفی است که در ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۲ در سوریه ظهور پیدا کرد. ورود این گروه به صحنه سوریه همراه با انتشار ویدیویی بود که در آن علیه رژیم قانونی اعلان جنگ شده بود. ویدیویی که بلافاصله در فضای مجاری مورد تحسین حامیان القاعده قرار گرفت (لاپین،<sup>۵</sup> ۲۰۱۳). این گروه در بیانیه‌های رسمی خود،

<sup>1</sup> O'Bagy

<sup>2</sup> Giles Kepel

<sup>3</sup> political activism

<sup>4</sup> Kepel

<sup>5</sup> LAPPIN

شیعیان را رافضی و علویان را نصیریه خطاب می‌کند.<sup>۱</sup> کاربرد اصطلاح نصیریه به جای علویه، اقدامی است عامدانه با هدف تاکید بر این نکته که فرقه علویان از اسلام حنیف (اصیل) منحرف شده است. جبهه النصره به تدریج با گذشت زمان به موثرترین و مجهزترین گروه مبارز در بین گروه‌های معارض سوری بدل گشت. هر چند در سال ۲۰۱۶ اسم خود را به جبهه فتح الشام تغییر دادند که این تغییر هم در راستای قرار گرفتن در لیست گروه‌های میانه رو که شامل کمک‌های دولت امریکا قرار بگیرند، بوده است اما این تغییر نام هیچ تغییری در ایدئولوژی و سیاست‌های آن ایجاد نکرده است. در ادامه نگاهی بر خاستگاه و ایدئولوژی، تاکتیک‌های نظامی و عملیاتی، ساختار سازمانی و رهبری، کنش اجتماعی، تبلیغی و عضوگیری در دولت شهرهای خود ساخته و کانال‌های تأمین مالی این گروه خواهیم داشت.

### خاستگاه و ایدئولوژی جبهه النصره

تحولات میدانی سوریه فرصتی مناسب را فراهم آورد که جبهه النصره و دیگر گروه‌های معارض دولت مرکزی بر قلمروهای تصرف شده خود اعمال حاکمیت نمایند و دولت-شهرهای مطلوب خود را تاسیس کنند. برخی از مهمترین اعتقادات این گروه را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

- طبق گزارش‌های جمع‌آوری شده، جبهه النصره طی جلساتی بین اکتبر ۲۰۱۱ و ژانویه ۲۰۱۲ تاسیس شد. پنج هدف اصلی این گروه، در همین جلسات معین شد که عبارت بودند از؛ تاسیس گروهی که تلاش‌های گروه‌های جهادی-سلفی موجود در سوریه را با یکدیگر هماهنگ کند؛ تقویت ماهیت اسلامی (سلفی) درگیری‌ها؛ افزایش توان نظامی گروه‌ها از طریق تصرف سلاح‌ها و ایجاد پناهگاهی امن به منظور عضوگیری،

<sup>۱</sup> Tentative Jihad: Syria's Fundamentalist Opposition, 2012

آموزش و عملیات؛ تشکیل دولتی اسلامی در سوریه که پیرو اصول سلفی باشد؛ و تاسیس خلافت در بلاد شام.

- النصره معتقد است، هر رژیمی که شریعت را به عنوان قانون به اجرا نگذارد، نامشروع است. این گروه در اولین پیام ویدیویی خود که در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر کرد، ادعا کرد که قانون خدا را دوباره به سرزمین او باز خواهد گرداند.

- این جبهه (در ظاهر) مخالف قبول هر گونه کمک خارجی است. به گمان ایشان، این مسئله بویژه پس از آنکه ارتش آزاد سوریه، فریب وعده‌های تهی و متناقض غربی‌ها در باب کمک‌رسانی را خورد، اهمیت بیشتری می‌یابد. یکی از دلایل تمایز این گروه از سایر گروه‌های مخالف سوریه است.

- این گروه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از متون مذهبی، انگیزه نیروهای رزمی‌اش را ارتقا دهند. در اندیشه النصره، درگیری در سوریه با مسأله‌ای اسلامی گره خورده است که نه تنها در متون مذهبی که در پیشگویی‌های وارده در این متون نیز تایید می‌شود. پرداختن به این موضوع در نوشته حاضر از آن جهت مهم است که این متون به مبارزان عزمی راسخ برای درگیری‌های بلندمدت می‌دهد (بلیک و بنوتمان،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳).

### تاکتیک‌های نظامی و عملیاتی

هر روزی که از اعلام موجودیت جبهه النصره می‌گذرد، این جبهه به علت وضعیت خوب مالی و تجهیزات مناسب، نیروهای دیگر گروه‌های معارض سوری را به خود جلب می‌نماید تا جایی که یکی از فرماندهان میدانی ارتش آزاد سوریه در مصاحبه با گاردین می‌گوید؛ «کلیه واحدها به النصره گرویده‌اند، در حالی که بقیه گروه‌ها تا یک چهارم یا

بیشتر نیروهای شان به النصره پیوسته‌اند» (بلیک و محمود،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳). در سال‌های ابتدایی جنگ داخلی سوریه، القاعده دو شاخه مهم را در این کشور سازماندهی کرد؛ اولین شاخه، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و دومین شاخه نیز، جبهه النصره است. النصره از چند نظر با سایر گروه‌های معارض تمایز دارد:

- جبهه النصره بدون هیچ ابایی از خود چهره‌ای جهادی-سلفی نشان می‌دهد و این بدان معنا است که این جبهه متعهد است به این که نه تنها رژیم قانونی سوریه را سرنگون کند، بلکه به جای رژیم وی دولتی اسلامی که از اصول سلفی تبعیت می‌کند، جایگزین سازد.
- استفاده صریح جبهه النصره از ادبیات فرقه‌ای عامل تمایز دیگر این گروه است. این گروه به دروغ خود را مدافع سرسخت جامعه سنی در مقابل علوی‌ها و شیعه‌ها معرفی می‌کند (بلیک و محمود، ۲۰۱۳).
- سومین وجه متمایز جبهه النصره از سایر گروه‌های معارض جهادی-سلفی، در ارتباط با تاکتیک است. بدین معنا، این گروه متهورانه‌ترین حملات را با موفقیت انجام می‌دهد و چیره‌دستی خاصی در انجام حملات انتحاری و نیز تاکتیک‌های جنگی متعارف از خود به نمایش می‌گذارد. النصره بطور مرتب مسئولیت حملات انتحاری و بمب‌گذاری در خودروها را برعهده می‌گیرد و در زمینه‌ی انتخاب اهداف و تاکتیک‌ها، شبیه القاعده در عراق عمل می‌کند.<sup>۲</sup>

لازم به ذکر است که با وجود آنکه النصره تمایل خود را برای حملات انتحاری نشان داده است اما انتخاب اهداف این گروه معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شود که نه تنها از تبلیغات منفی اجتناب گردد که زمینه را برای کسب محبوبیت گسترده و اعتبار در میان مردم سوریه فراهم سازد. در این زمینه، استراتژی النصره تفاوت قابل توجهی با

Black & Mahmood

<sup>۲</sup> Tentative Jihad: Syria's Fundamentalist Opposition, 2012

استراتژی گروه‌های کم‌طرفدار مرتبط با القاعده مخصوصاً داعش دارد. بدین معنا، جبهه النصره همیشه این اصل را رعایت کرده است که عمدتاً اهداف نظامی و نه اهداف شهری را مورد هدف قرار دهد؛ درست برخلاف استراتژی القاعده در عراق. جبهه النصره در اجرای حملات انتحاری خود به دقت و گزینشی عمل کرده و سعی دارد تا تلفات غیرنظامیان به حداقل ممکن برسد (بنوتمان و بلیک،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳). النصره حتی به دروغ کشتار شهروندان بی‌گناه را محکوم می‌کند و تلاش می‌کند تا خود را از تاکتیک‌های استفاده شده توسط داعش دور نگه دارد. در ۱۸ جولای ۲۰۱۳، یکی از اعضای بلندپایه النصره در مصاحبه‌ای تقصیر کشتار غیرنظامیان را به گردن داعش انداخته و آن را محکوم کرد و از دیدگاه‌های تجاوزکارانه این گروه به عنوان یکی از دلایل اختلاف و شکاف بین دو گروه نام برد (جبهات النوصر،<sup>۲</sup> ۲۰۱۳).

این جبهه همچنین برخلاف ارتش آزاد سوریه که به لحاظ ساختاری، نامنظم و از نظر تاکتیکی، نامنسجم است؛ گروهی سازمان یافته از مبارزانی است که ساختار یگان آن دارای عملکردی روان (یکدست) و مجموعه رهبران دارای تجربه هستند. از سوی دیگر، در حالی که ارتش آزاد سوریه، ترکیبی آشفته و بی‌نظم از کارمندان سابق نظامی، غیرنظامیان و افراد بی‌تجربه است؛ اما جبهه النصره اعضای خود را بطور گزینشی انتخاب می‌کند و رهبری آن متشکل از کادری از افراد باتجربه است که در اجرای عملیات شورشی دارای تبعّر هستند. از آنجا که فرماندهان جبهه النصره تجربیات فوق‌العاده ارزشمندی در عراق و جنگ با دشمنی به مراتب قوی‌تر (یعنی نیروهای آمریکایی) کسب کرده‌اند، دکتربین بنیادین این گروه در جنگ، از پا درآوردن دشمن از راه جنگ طولانی مدت و توان فرسا است (جبهات النوصر، ۲۰۱۳).

<sup>1</sup> Benotman&Blake

<sup>2</sup> Jahbat-AI-Nusr

براساس تحقیقات انجام گرفته بسیاری از کادر اصلی و ارشد جبهه النصره قبلاً عضو شبکه جهادی ابومصعب الزرقاوی در عراق بوده‌اند که وابسته به شبکه جهانی القاعده است (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳). سوری‌هایی که بخشی از شبکه الزرقاوی در هرات افغانستان بودند، در سال ۲۰۰۰ به سوریه و لبنان فرستاده شدند تا حوزه دسترسی این شبکه را گسترش دهند. رهبران القاعده با اتخاذ چنین سیاستی آنها را مسئول تشکیل «خانه مهمان»<sup>۱</sup> در این دو کشور نموده و زمینه را برای تبدیل سوریه به سکوی پرتاب به سوی عراق فراهم کردند (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳). وجود این بستر و همزمانی آن با آغاز اعتراضات مردمی، اعضای ارشد القاعده را بر آن نمود تا نیروهای سوری و چریک‌های عراقی را به سوریه اعزام کنند. اگرچه، اینکه قصد آنها آیا این بود که النصره شاخه‌ای از القاعده عراق باشد یا به عنوان یک سازمان مستقل که مقر آن در شام باشد، محل بحث است (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳).

### ساختار سازمانی و رهبری

سازمان و شکل ساختاری جبهه النصره شبیه به دیگر سازمان‌های سلفی است؛ یعنی نفر اول سازمان و فرماندهان محلی آن با نام «امیر» شناخته می‌شود و فرماندهان محلی زیر نظر «مسئول عام» ریاست می‌کنند. فرماندهان محلی، مسئول فرماندهی و مدیریت بر فرمانداری‌های مختلف سوریه که النصره در آنجا فعال است، می‌باشند. در اعلامیه‌های جبهه النصره به وجود «مجلس شورای مجاهدین» اشاره می‌شود که عملکردی همچون «هیات حاکمه»<sup>۲</sup> دارد و اعضای مختلف نظامی و دولتی، تابع آن بوده و در برابر آن ملزم به پاسخگویی هستند (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳).

<sup>۱</sup>Guest house

<sup>۲</sup>governing body

شاخه نظامی این جبهه براساس تیپ، گردان و گروهان تقسیم می‌شود. گرچه نامگذاری این واحدها حاکی از تقسیم‌بندی سختگیرانه مبارزان در درون آن است، اما گروه‌های سلفی ترجیح می‌دهند تا در ساختار نظامی خود به ویژه با توجه به سازگاری مداوم خود در جنگ‌های چریکی نابرابر، منعطف و روان (متغیر) باشند. بدین ترتیب، ساختار نظامی النصره در نقاط گوناگون سوریه و براساس وضعیت درگیری‌ها در آن مناطق، متفاوت است. به عنوان نمونه، در حومه حلب، واحدها در خطوط نظامی متعارف ساماندهی می‌شوند، یعنی گروهان، گردان، تیپ و جوخه. اما در دمشق، جایی که بیشتر نبردهای خیابانی روی می‌دهد، تاکتیک‌های شهری چریکی اجرا می‌شود و ساختار واحدها به گونه‌ای طراحی می‌شود که کارایی و تأثیر این تاکتیک‌ها به حداکثر برسد. به عنوان نمونه، واحدها به جای تقسیم به گروهان‌ها، به هسته تقسیم می‌شوند تا احتمال شناسایی و لورفتن کمتر شود (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳).

گزارش‌های متناقضی درباره تعداد واقعی نظامیان فعال النصره در سوریه وجود دارد. براساس گزارشی که واشنگتن پست در نوامبر ۲۰۱۲ منتشر کرد، تعداد مبارزان النصره در کل بین ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ هزار نفر است (ایگناتیوس،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲). در ارزیابی صورت گرفته در سال ۲۰۱۳، تعداد مبارزان حدود ۵۰۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳). به هر حال، به نظر می‌رسد با توجه به پیروزی‌هایی که در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ توسط جبهه النصره در میدان سوریه به دست آمده است، می‌توان تعداد افراد جبهه النصره را بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ هزار نفر تخمین زد.

یکی از نکاتی که در رابطه با ساختار این گروه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، استفاده از مبارزان خارجی و دسته‌بندی ایشان براساس ملیت‌ها است؛ به عنوان مثال، گروهان تونسسی، گروهان چچنی، گروهان اردنی و غیره. علت این امر، دو چیز است؛ اول این که به هر گروهان این امکان را می‌دهد تا بازدهی موثرتری داشته، موانع و مشکلات زبانی مرتفع و

<sup>1</sup> Ignatius



روحیه واحدها بهتر حفظ شود. دوم اینکه به گروهان‌ها این امکان را می‌دهد تا سطح شبکه‌های مرکزی جهادی ترقی کنند که این مساله باعث گسترش شبکه جهادی-سلفی در بلندمدت می‌شود. چرا که اعضای آنها بعد از کسب تجربیات جنگی چریکی در سوریه به وطن خود برمی‌گردند (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳) و زمینه‌ی لازم برای ایجاد «خانه‌های میهمان» را فراهم سازند. براساس اطلاعات و ارزیابی‌های صورت گرفته مبارزان خارجی از کشورهای غیر عرب اسلامی و بقیه از اردن، عراق، عربستان، قطر و غیره هستند (جیونز-نف،<sup>۱</sup> ۲۰۱۶). جالب آنکه، در سال ۲۰۱۳، از ۵۳ حمله انتحاری که در سوریه انجام گرفت، ۲۳ نفر خارجی بودند. پیوستن این تعداد مبارز خارجی به صف اپوزیسیون در چنین مدت کوتاهی، شاهدهی است بر کشش عاطفی که آرمان این افراد در سوریه در بین همفکرانشان در سرتاسر دنیا القاء می‌کند. این در حالی است که حدود دو دهه طول کشید تا تقریباً همین تعداد مبارز خارجی در مناطق قبیله‌ای پاکستان و افغانستان گرد آیند، واقعیتی که حاکی از جاذبه تفکر اندیشه سلفی و سایر عوامل جاذب است.<sup>۲</sup>

### کنش اجتماعی، تبلیغی و عضوگیری در دولت شهرهای خود ساخته

النصره دارای شبکه تلویزیونی اختصاصی با نام «المناره البيضاء» است. این نام اشاره‌ای دارد به «مناره سفید مسجد شام» که در احادیث و پیشگویی‌های اسلامی، از آن به عنوان مکانی که حضرت عیسی (ع) قرار است در آخر الزمان در کنار آن فرود بیاید، یاد شده است. از این شبکه برای پخش ویدیوهای تبلیغاتی به شکل مستند که اغلب حاوی مصاحبه با مهاجمان انتحاری و کلیپ انفجار بمب توسط خودروها است، استفاده می‌شود. رفتار رسانه‌ای این گروه از دو جنبه با سایر گروه‌های جهادی تفاوت دارد:

(۱) میزان ابهامی که رهبر جبهه النصره تمایل دارد در انظار عمومی از خود نشان دهد؛ و

<sup>1</sup> Gibbons-Neff

<sup>2</sup> Foreign Fighters in Syria, 2013

۲) این گروه اغلب مسئولیت تمامی حملات خود را بر عهده نمی‌گیرند.<sup>۱</sup> بخش تبلیغاتی النصره، منحصر به شبکه تلویزیونی نبوده و در اینترنت نیز این جبهه در ژانویه ۲۰۱۳ اقدام به تاسیس پایگاه اطلاع‌رسانی نموده است که از آن برای پخش پیام‌های خود بهره می‌برد. این پایگاه اینترنتی هم اکنون (در لحظه نگارش تحقیق) نیز فعال بوده، حاوی ویدیو و اعلامیه‌های این سازمان است. همچنین النصره سابقاً صفحه‌ای در فیسبوک داشت که در ژانویه ۲۰۱۳ بیش از ده هزار دنبال‌کننده داشت (جبهات النوصر، ۲۰۱۳). شیوه عضوگیری در النصره نیز بر سبک و روش خاصی استوار است. در مانیفست این گروه از واژه‌ای با عنوان «تزکیه» استفاده شده است که بر طبق آن، مهارت، تعهد مذهبی و توانایی‌های کلی اعضا برای پیوستن به گروه می‌بایست به تأیید دو تن از فرماندهان خط مقدم این گروه برسد (بنوتمان و بلیک، ۲۰۱۳). اعضای جدید باید به خدا سوگند یاد کنند که نسبت به رهبران جهادی خود وفاداری کامل دارند. این سوگند در فرمان‌پذیری آنها تأثیر بنیادین دارد، چرا که با این سوگند، اعضای جدید هیچ راه فرار قانونی برای ترک گروه یا نافرمانی از دستورات را ندارند. این نوع سوگند عملکردی شبیه قوانین ارتش دارد که شامل بندهای قانونی است که در آن فرار از خدمت و سرپیچی از قوانین جرمه قانونی دارد.

یکی از دلایلی که سبب شده است تا النصره نه تنها موفق به جذب نیروهای قابل ملاحظه‌ای از مبارزان شود که فراتر از آن، در ترغیب سربازان ارتش آزاد سوریه جهت پیوستن به خود نیز از عملکرد موفق‌تری برخوردار باشد، حقوق بالایی است که به مبارزان خود پرداخت می‌کند (جبهات النوصر، ۲۰۱۳).

یادآور می‌شود که جبهه النصره با استفاده از تجربیاتی که در عراق طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ کسب کرده است، تلاش می‌کند تجربه شکست شاخه القاعده در عراق را تکرار نکند و از این رو، در طراحی‌های نظامی و تبلیغات سیاسی خود در پی حفظ وجهه مردمی

<sup>1</sup> The Al-Nusra Front's Battle for Hearts and Minds, 2013

خود نیز هست. چرا که بسیاری از مبارزان النصره، خارجی‌ها هستند و رهبران گروه با اتخاذ چنین سیاست‌های در پی همراه‌سازی و همگام‌سازی ساکنین و دیگر سلفی‌های مهاجر از سراسر دنیا هستند. از دیگر سو، این جنبه از رفتار جبهه النصره در درگیری‌ها، باعث افزایش اعتبار این گروه به میزان فراوانی گردیده است. همچنین، النصره و رهبر این گروه بر تداوم کار غیرنظامی تأکید دارند. بدین معنا، در تبلیغات خویش از اصل دعوت استفاده می‌کند و این سیاست را با فعالیت‌های بشردوستانه تکمیل می‌نمایند. بر این اساس، النصره با راه‌اندازی بخشی با عنوان «جناح اجتماعی» اقدام به توزیع مایحتاج ضروری به مستمندان و تنظیم قیمت خواربارفروشی‌ها به منظور ممانعت از سوء استفاده از مردم جنگ‌زده نموده است. به نظر می‌رسد که چنین استراتژی‌هایی ناشی از تمایل شدیدی است که این گروه برای محبوب ماندن در بین مردم دارد (جبهات النوصر، ۲۰۱۳).

### کانال‌های تامین منابع مالی

برای تحلیل نقش و آینده جبهه النصره، یافتن کانال‌های مالی و روش‌های تجهیز، بسیار حیاتی و تأثیرگذار به حساب می‌آید. نکته حائز اهمیت در تحلیل منابع مالی این جبهه و دیگر گروه‌های سلفی، توجه به این امر است که هر گروه در شبکه جهانی القاعده، بسته به ژئوپلتیک میدان عملیاتی‌اش، اقدام به ایجاد بسترهای لازم برای تامین منابع مالی می‌نماید. در ادامه به گوشه‌ای از روش‌های تامین منابع مالی جبهه النصره نظر خواهیم افکند:

- القاعده مرکزی به عنوان هسته اصلی شبکه جهانی القاعده، اولین کانال تامین مالی برای جبهه النصره است. به همین دلیل، رهبر النصره از کمک‌های القاعده به این گروه تشکر کرده است.<sup>۱</sup>

1-Ultimatum from Syrian Al-Qaeda group, 2014

- دومین روش تامین مالی این گروه استفاده از شبکه‌های مبلغین، سازمان‌های خیریه و افراد ثروتمندی است که طرفدار آرمان این گروه بوده و تحت تاثیر موفقیت‌های نظامی آن قرار گرفته‌اند. در یکی از مقالات پایگاه رويترز در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۳ آمده بود که براساس گزارش سرویس‌های اطلاعاتی اروپا و آمریکا، خانواده‌های ثروتمند در کویت، عربستان و قطر منابع مالی جبهه النصره را تامین می‌کنند (زیادوز و هولمز، ۲۰۱۳).
- سومین روش که بی‌شبهت به روش قبل نیست، برگزاری کنفرانس‌های اسلامی است. در این روش، عناصر این جبهه با حضور در کنفرانس‌ها و مراسم‌ها، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را ارائه و از این طریق، کمک مالی جمع‌آوری می‌نمایند. این که چه میزان از این مبلغ به دست خود النصره می‌رسد، قابل اثبات نیست. با این حال، با اطمینان می‌توان گفت که بخش اعظمی از این کمک‌های مالی را دریافت می‌کنند.
- بسیاری از کمک‌های مالی النصره به‌واسطه داعش تامین می‌شد. اما شکاف ایدئولوژیکی که بین داعش و النصره در اوایل ۲۰۱۳ به‌وجود آمد، باعث بسته شدن این کانال مالی شد. به نظر می‌رسد که قطع این کمک‌ها یکی از دلایلی است که موجب گردید تا النصره تلاش کند با گروه‌های اسلام‌گرا نظیر احرار الشام، التوحید و لواء الاسلام بیمان اتحاد ببند (مورتادا، ۲۰۱۳).
- جذب کمک‌های کشورهای خارجی، یکی دیگر از روش‌های تامین مالی این گروه است. نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۳ گزارش داد که دولت‌های عربی و... کمک‌های نظامی خود را از طریق هوایی و با نظارت سازمان سیا به دست اپوزیسیون سوریه می‌رسانند (چمیت و چیور، ۲۰۱۳). در همین گزارش، به

<sup>1</sup> Holmes & Dziadosz

<sup>2</sup> Mortada

<sup>3</sup> Chiver & Schmitt

نقش سیا به عنوان مشاور در این انتقال و تجهیز مخالفان دولت سوریه اشاره شده است. سازمان سیا با ایجاد دفاتری مخفی برای خرید و فروش سلاح‌ها و نیز استخدام فرماندهانی که تعیین کنند که این سلاح‌ها در زمان توزیع، تحویل چه کسانی باید شوند، مدیریت این تجهیز و بی‌ثباتی بزرگ را بر عهد دارند.

### سوریه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دولت سوریه به عنوان حکومتی که از ابتدای تشکیل دولت جعلی و تروریستی اسرائیل تا به امروز توانسته خود را در برابر تندبادهای سیاسی و کودتاهاى نظامی مخالفان حزب بعث، حفظ نماید و هنوز نیز به عنوان یکی از رقبای استراتژیک همسایه این دولت جعلی ادامه حیات می‌دهد. این کشور هنوز دوران طلایی رجزخوانی‌های احزاب بعث در سرزمین‌های عربی را ادامه داده و همین داشتن دشمن مشترک (اسرائیل) توانسته است زمینه اتحاد دولت و ملت سوریه را با ایران آغاز، تداوم و عمق دهد. به نظر می‌رسد که همین عامل و علت العلل ارتقای روابط فیما بین این دو کشور و ملت به سطح راهبردی شده است که در نتیجه این اتحاد راهبردی هرگونه تغییر و تحول در دو کشور بر منافع ملی و جایگاه طرف مقابل نیز تاثیر می‌گذارد. بر همین اساس است که از همان ابتدای جنگ داخلی در سوریه ایران با انجام کمک‌های مستشاری توانست توان عملیاتی گروه‌های معارض سوریه را کاهش دهد و در حال حاضر به سوی پاکسازی کامل این کشور از تروریست‌ها پیش می‌رود. در این بخش به بررسی تاثیر عملکرد جبهه النصره در سوریه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. برخی از این تاثیرگذاری‌ها به شرح زیر است:

#### (۱) تحدید عمق استراتژیک

به واسطه ارتقای روابط ایران و سوریه به سطح راهبردی و حضور رژیم اشغالگر قدس در نزدیکی سوریه، جمهوری اسلامی ایران خط مقدم مبارزه با اسرائیل را در نزدیک مرزهای

این رژیم قرار داده و عمقی استراتژیک را برای خود ایجاد نموده است (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در تعریف عمق استراتژیک مطالب زیادی نقل شده است؛ اما، این مفهوم تناظر دارد با توانایی یک بازیگر برای مواجهه با حملات، به واسطه دفاع چند لایه خود، دفع ضربه اول، پراکنده نمودن نیروهای دشمن و تحمیل خسارت به آنها و فرسایش آنان از طریق وارد آوردن ضربات دوم. در واقع می‌توان عمق استراتژیک را بالاترین و یا دست نیافتنی‌ترین نقطه اتکای استراتژیک اعم از اتکای استراتژیک خودی یا دشمن نامید. در این معنا، سوق‌الجیشی‌ترین نقطه صحنه کنترل یا نبرد، نقطه‌ای است که استحکام و دوام آن موجب بقاء سایر نقاط عرصه نبرد شده و دسترسی حریف به معنای دسترسی به سایر نقاط استراتژیک است. نکته حائز اهمیت در ادامه بی‌ثباتی در کشور سوریه و حضور نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مستشار در کنار نیروهای نظامی و مردمی سوریه مزیت‌های زیادی را برای ایران اسلامی دارد و توانسته است که توان رزم نیروهای نظامی ایران و تجربه آنها را در جنگ‌های چریکی و شهری افزایش داده است.

## ۲) فراهم کردن بستر مداخله سیاسی و نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای

وجود بیش از ۲۰ گروه تروریستی<sup>۱</sup> که هر روز امکان افزایش آن نیز با دلارهای نفتی عربی و شبکه مبارزان فراملیتی القاعده وجود دارد (در آستانه مذاکرات صلح سوریه، ۱۳۹۵) آنچنان تأثیرگذار است که پس از تسلط و قدرت‌نمایی داعش در عراق و سوریه و انجام اقدامات تروریستی در پاریس و بلژیک، حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنها را به فکر فرو برد تا شعاع عملیاتی این گروه‌ها را تنها به منطقه غرب آسیا محدود کنند. بدین ترتیب، این گروه‌ها زمینه لازم برای مداخله سیاسی و نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی را فراهم نموده است. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، آنکه روند تحولات در غرب آسیا و علی‌الخصوص در سوریه نشان از حضور طولانی مدت دول غربی در منطقه برای

<sup>۱</sup> تا اردیبهشت ۱۳۹۵

مبارزه با تروریسم دارد و همین عامل نیز می‌تواند بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر شایانی بگذارد.

### ۳) تضعیف در حاکمیت سوریه و شکاف در محور مقاومت

استقرار دولت مرکزی و تحقق یک حاکمیت یکپارچه بر سرزمین سوریه برای جمهوری اسلامی ایران بهترین حالت ممکن است. تحولات سال ۲۰۱۱ تا به امروز و گسست در حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی سوریه، توان مقابله با تهدیدات بالقوه رژیم صهیونیستی را کاهش داده است. محور مقاومت از زمان پیدایی تفکرات سلفی و تکفیری در دو عرصه‌ی حفظ محورهای مواصلاتی جبهه مقاومت و همچنین، رصد و حفظ آمادگی عملیاتی خود در برابر رژیم صهیونیستی تلاش کرده است. در واقع، گروه‌های سلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت بازی می‌کنند. افزون بر این، عملکرد داعش و گروه‌های سلفی و تکفیری، باعث تغییر اولویت تضاد امت اسلامی با اسرائیل به سمت داخل جهان اسلام و براساس مبانی مذهبی شده است (رنجبر شیرازی، نجاتی آرانی و فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ۵۷).

### ۴) رقابت گفتمانی بین شیعه و سنی

تحولاتی که در سوریه منجر به جنگ داخلی و شکل‌گیری منازعه‌ای بی‌پایان شده است، خواسته یا ناخواسته زمینه را برای نوعی رقابت میان فرق اهل تشیع و اهل تسنن فراهم نموده است. حضور شبه نظامیان سلفی و تکفیری در جهان اسلام نشان‌دهنده‌ی بسط و گسترش این تقابل است. این موضوع نه تنها امروزه مشکلات متعددی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده است که می‌تواند در آینده نیز، امنیت ملی این کشور را با چالش مواجه سازد. خاطر نشان می‌شود که دقیقاً به همین دلیل است که اهمیت تقریب مذاهب در چنین شرایطی دوصد چندان است.

## نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خویش به دلیل ماهیت، اهداف و تأثیرات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همیشه آماج تهدیدات در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. تحولات و سیر رویدادها نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که این تهدیدات در کوتاه مدت مرتفع نخواهد شد. از جمله‌ی این تهدیدات، وجود شبکه جهانی القاعده است که ایالات متحده امریکا در دوره جنگ سرد برای مقابله با شوروی آن را ایجاد نموده و هر از گاهی، چهره جدیدی از آن در مناطق مختلف جهان خودنمایی می‌کند.

در این نوشتار، ضمن آنکه تمرکز اصلی خویش را بر گروه جبهه‌النصره قرار داده‌ایم، تلاش شده تا ضمن معرفی خاستگاه، اهداف، ساختار، استراتژی و تاکتیک‌های جبهه‌النصره، به بررسی نقش این گروه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

جریان‌های نوسلفی از جمله گروه تروریستی جبهه‌النصره به دلیل تفاوت و تقابل‌های مبنایی و اندیشه‌ای، وحدت مسلمین را نشانه گرفته و ضمن از میان بردن آن، زمینه‌ی ایجاد تخاصم و منازعه بلندمدت میان آنها را فراهم کرده است. در واقع، امروزه جبهه‌النصره نمونه‌ای از برداشت‌های نادرست و غیرواقعی از اندیشه‌های اسلامی است که در نقش پاشنه‌ی آشیل جوامع اسلامی، هم چهره واقعی اسلام را مخدوش می‌کند و هم بهانه‌ی لازم را برای ورود نیروهای غرب به قلمرو اسلامی فراهم می‌نماید. از این رو، جهان اسلام نیز باید با اتخاذ رویکرد هم‌گرایی و تقریب، زمینه رشد این جریان‌ها را متوقف و بشریت را از خطر رشد این جریان‌های تکفیری مصون سازد.



- رنجبر شیرازی، مصطفی؛ نجاتی آرانی، حمزه؛ فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۳). داعش شناسی: چیستی، شاخصه‌ها و راهکارهای مواجهه. تهران: نشر سخنوران، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.
- عباسی، مجید (۱۳۹۴). بحران سوریه تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی.
- نجات، سید علی (۱۳۹۴). نقش منابع مالی در ثبات و گسترش داعش و جبهه النصره. قابل‌بازیابی در سایت: <http://www.tisri.org/default-2074.aspx>.
- AL-RAWI, WALEED, and STERLING JENSEN. 2013. Syria's Salafist Networks: More Local than You Think. April. [http://cco.ndu.edu/Portals/96/Documents/prism/prism\\_4-syria/Syrias\\_Salafi\\_Networks.pdf](http://cco.ndu.edu/Portals/96/Documents/prism/prism_4-syria/Syrias_Salafi_Networks.pdf).
- Burke, Jason. 2012. Al-Qaida leader Zawahiri urges Muslim support for Syrian Uprising. February 12. <http://www.theguardian.com/world/2012/feb/12/alqaida-zawahiri-support-syrian-uprising>.
- Baldwin, David A. 1997. "The Concept of Security." Review of International Studies 23: 5-22.
- Benotman, Nathan, and Rosin Blake. 2013. "Jahbat-Al-Nusra : A Strategic Briefing. may. Quilliamfoundation.org.
- Buzan, Barry , and Ole Weaver. 2003. Security: A New Framework for Analysis. London: Lynne Rienner.
- Chiver, C.J, and Eric Schmitt. 2013. Arms Airlift to Syria Rebels Expands, With Aid From. CIA. March. 24 . [http://www.nytimes.com/2013/03/25/world/middleeast/arms-airlift-to-syrian-rebels-expands-with-cia-aid.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2013/03/25/world/middleeast/arms-airlift-to-syrian-rebels-expands-with-cia-aid.html?_r=0).
- Gibbons-Neff, Thomas. 2016. Number of foreign fighters entering Iraq and Syria drops by 90 percent, Pentagon says. april 26. <https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/04/26/number-of-foreign-fighters-entering-iraq-and-syria-drops-by-90-percent-pentagon-says/>.
- LAPPIN, YAAKOV. 2013. Al-Nusra Front forging al-Qaida base in Syria. 'What took 10 years in Afghanistan occurred in Syria in less than

- two. Sep 27. <http://www.jpost.com/Middle-East/Al-Nusra-Front-forging-al-Qaida-base-in-Syria-327252>.
- Kepel, Gilles. 2003. Jihad: The Trail of Political Islam. Harvard University Press.
  - Mojon, Jean Marc. 2012. Syria revolt attracts motley foreign jihadi corps. August 18. <http://www.afp.com/en/home/>.
  - O'Bagy, Elizabeth. 2012. jihad in syria. September. <http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Jihad-In-Syria-17SEPT.pdf>.
  - 2011. Crisis Group Middle East Report N°104, Radical Islam in Gaza., Crisis Group. <http://www.crisisgroup.org/en/regions/middle-east-north-africa/israel-palestine/104-radical-islam-in-gaza.aspx>.
  - 2013. Foreign Fighters in Syria.
  - Holmes, Oliver , and Alexander Dziadosz. 2013. "Special Report: Syria's Islamists Seize Control as Moderates Dither. Jun 19. <http://www.reuters.com/article/us-syria-rebels-islamists-specialreport-idUSBRE95I0BC20130619>.
  - Idiz, Semih. 2013. Turkey Reconsiders Support For Jabhat Al-Nursa. Agust 13. <http://www.al-monitor.com/pulse/en/originals/2013/08/turkey-considers-support-for-al-nusra.html>.
  - Ignatius, David. 2012. "Al-Qaeda Affiliate Playing Larger Role in Syria Rebellion. Nov 30. [https://www.washingtonpost.com/blogs/post-partisan/post/al-qaeda-affiliate-playing-larger-role-in-syria-rebellion/2012/11/30/203d06f4-3b2e-11e2-9258-ac7c78d5c680\\_blog.html](https://www.washingtonpost.com/blogs/post-partisan/post/al-qaeda-affiliate-playing-larger-role-in-syria-rebellion/2012/11/30/203d06f4-3b2e-11e2-9258-ac7c78d5c680_blog.html).
  - 2013. Jahbat-Al-Nusr. <http://www.terrorism-info.org.il/fa/index.aspx>.
  - Jones , Seth. 2013. "IISS." Syria's Growing Jihad." nternational Institute for Strategic Studies.
  - Loschky, Jay. 2013. 5 Faith Facts on Religion in Syria. Sept 25. <http://www.faithstreet.com/onfaith/>.
  - Lund, aron. 2013. Syria's Salafi Insurgents; the Rise of the Syrian Islamic Front. march 17. <http://www.ui.se/eng/upl/files/86861.pdf>.
  - Mahmood, Mona , and Ian Black. 2013. Free Syrian Army Rebels Defect to Islamist Group Jabhat Al-Nusra. May 8. <http://www.theguardian.com/world/2013/may/08/free-syrian-army-rebels-defect-islamist-group>.
  - Mortada, Radwhan. 2013. "Syria: ISIS Orphans Al-Nusra Front, Cutting Its Funding." October-November. <http://english.al-akhbar.com/node/17291>.

- Perriello, Tom. 2014. "A New Start To U.S. Policy in Syria Can Save Lives." Newsweek/Daily Beast.
- 2015. syria. 12 27. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/sy.html>.
- 2014. Syria death toll from rebel infighting. April 11. ap.org.
- 2012. TENTATIVE JIHAD: SYRIA'S FUNDAMENTALIST OPPOSITION. october 12. [http://www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iraq%20Syria%20Lebanon/Syria/131-tentative-jihad-syrias-fundamentalist-opposition.pdf](http://www.crisisgroup.org/~/media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iraq%20Syria%20Lebanon/Syria/131-tentative-jihad-syrias-fundamentalist-opposition.pdf).
- 2013. The Al-Nusra Front's Battle for Hearts and Minds. <http://www.crethiplethi.com/the-al-nusra-front-s-battle-forhearts->.
- 2011. The Syrian People's Slow-motion Revolution. Jul 6. <http://www.crisisgroup.org/en/publication-type/media-releases/2011/mena/the-syrian-peoples-slow-motion-revolution.aspx>.
- 2014. Ultimatum from Syrian Al-Qaeda group. February 25. <http://america.aljazeera.com/articles/2014/2/25/syrian-al-qaeda-networkgivesrivalgroupultimatum.html>.



